

شرایط پرداخت اجرت المثل و نخله به «زوجه»

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «پرداخت اجرت المثل به زوجه» را بررسی کنیم.



مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، «آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون» است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «پرداخت اجرت المثل به زوجه» را بررسی کنیم.

از جمله مباحث مرتبط با حقوق خانواده و دعاوی مالی زوجین، موضوع پرداخت اجرت المثل و نخله است. نخله در لغت به معنای بخشش بوده و در اصطلاح حقوقی، مبلغی است که دادگاه میزان آن را با در نظر گرفتن شرایطی، تعیین می کند تا زوج به زوجه بپردازد.

همچنین اجرت المثل به معنای پرداختن اجرت کارهایی است که زن در خانه شوهر انجام داده است در حالی که این امور از وظایف شرعی او نبوده و برای این کار قصد تبرع (مجانی بودن) نیز نداشته باشد.

نخله چیست؟

در مورد مستند قانونی نخله باید گفت طبق ماده 58 قانون حمایت خانواده و بند «ب» تبصره شش ماده 58 و اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال 1371 مجمع تشخیص مصلحت نظام، «با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوج، دادگاه مبلغی را (نخله) برای زوجه تعیین می کند».

با استنباط از قانون و رویه قضایی، شرایط دریافت نخله این گونه است که لازم است تقاضای طلاق از سوی مرد بوده و نباید به دلیل تخلفات زن از وظایف زناشویی یا سوءرفتار او باشد. همچنین در طول زندگی مشترک و تا قبل از اقدام به دادخواست طلاق از جانب زوج، امکان مطالبه نخله وجود ندارد.

همانطور که از بند ب تبصره شش ماده 58 و اصلاح مستنباط می شود، نخله فرع بر اجرت المثل است و در صورتی پرداخت و مورد حکم واقع می شود که اجرت المثل اثبات نشود.

به عنوان مثال، خانمی نتواند اثبات کند کارهای منزل به درخواست شوهر بوده یا نتواند اثبات کند که تبرعی (مجانی) نبوده است؛ در این صورت دادگاه خود مبلغی را به عنوان نخله تعیین می کند؛ اگرچه ماهیت حقوقی نخله بخشش است و این بخشش باید با رضایت شوهر باشد.

مبلغ نخله را قاضی معین می کند.

یکی از نکاتی که در این زمینه باید مورد توجه قرار داد، این است که نخله با اجرت المثل قابل جمع نیست؛ به این معنا که اگر شرایط تعلق اجرت المثل، زمان زوجیت نباشد، زن دارای شرایط اخذ نخله می شود.

نکنه دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که در تعیین نحله بر خلاف اجرت²؛ المثل، نیازی به کارشناسی نیست و مبلغ را قاضی دادگاه تعیین می³؛ کند.

اجرت²؛ المثل

اجرت²؛ المثل به معنای پرداختن اجرت کارهایی است که زن در خانه شوهر انجام داده در حالی که این امور از وظایف شرعی او نبوده و برای این کار قصد تبرع (مجانی بودن) نیز نداشته باشد. در این موارد، شوهر موظف به پرداخت اجرت²؛ المثل این کارها است. این اجرت به حکم قانون و متناسب با کارهایی است که زن در خانه انجام داده و پرداخت آن ارتباطی با دارایی شوهر ندارد و در هر صورت باید پرداخت شود.

طبق تبصره ماده²؛ واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب سال 1371 مجمع تشخیص مصلحت نظام، «چنانچه طلاق به درخواست زوجه نبوده و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد دادگاه به ترتیب زیر عمل می³؛ کند:

چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه این وضع اثبات شود، دادگاه اجرت²؛ المثل کارهای انجام²؛ گرفته را با جلب نظر کارشناس، محاسبه و زوج را ملزم به پرداخت اجرت می³؛ کند.

در غیر این صورت، یعنی در صورتی که زن نتواند اجرت²؛ المثل کارهای خود را به²؛ دست آورد (مثلاً نتواند اثبات کند که کاری انجام داده یا نتواند اثبات کند که کارهای انجام²؛ شده تبرعی نبوده) با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوج، دادگاه مبلغی از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می³؛ کند بنابراین اجرت²؛ المثل ماهیت قانونی دارد.

شرایط پرداخت اجرت²؛ المثل

برای پرداخت اجرت²؛ المثل، شرایطی لازم است؛ از جمله اینکه طلاق به درخواست زوجه نباشد؛ طلاق به دلیل تخلف زن از وظایف زناشویی و سوء اخلاق او نباشد و انجام کارهای منزل شرعاً به عهده زوجه نبوده باشد مثل شستن ظروف و لباس²؛ ها و پخت و پز.

همچنین انجام کارها به دستور زوج با درخواست او باشد و زن برای انجام کارها قصد تبرع نداشته باشد؛ یعنی به خاطر رضای خدا کاری انجام نداده باشد. اگرچه واقعیت این است که زنان غالباً امور خانه را به قصد تبرع انجام می³؛ دهند و اگر این امر بر دادگاه ثابت شود، زن مستحق اجرت²؛ المثل نخواهد بود.

دادگاه زمانی اجرت²؛ المثل را مورد حکم قرار می³؛ دهد که توافق دیگری در خصوص امور مالی میان زن و شوهر نباشد چرا که اگر توافقی باشد باید طبق آن عمل شود.

بنابراین اجرت²؛ المثل با شرط انتقال نصف دارایی قابل جمع نیست زیرا شرط انتقال نصف دارایی، توافقی بوده و بر حکم قانون مبنی بر پرداخت اجرت²؛ المثل²؛ مقدم است و در این مورد فقط به انتقال تا نصف دارایی حکم می³؛ شود.

تقدم شروط توافقی بر اجرت²؛ المثل و نحله

طبق تبصره شش ماده²؛ واحده مقررات مربوط به طلاق، در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق²؛ الزحمه کارها، دادگاه ابتدا از طریق تراضی نسبت به خواسته طرفین اقدام می³؛ کند و در صورت عدم

امکان توافق، چنانچه شرطی ضمن عقد ازدواج یا عقد خارج لازم در خصوص امور مالی شده باشد، آن را مورد حکم قرار می‌دهد. در غیر این صورت وارد موضوع اجرت‌المثل و نحلہ می‌شود. بنابراین توافق زوجین، مقدم بر امور قضایی و اجرت‌المثل و نحلہ بوده و جمع میان شرط انتقال نصف دارایی و اجرت‌المثل و نحلہ، خلاف قانون است.

در مورد اثبات این مطلب که زوجه کارهایی انجام داده و این کارها به درخواست زوج بوده است؛ زن مدعی است و باید اثبات کند. این در حالی است که در مورد اینکه کارها یا قصد تبرع بوده و نه با قصد اجرت، مرد مدعی است و باید اثبات کند که زوجه به قصد تبرع و به صورت مجانی کار کرده است.